

کلر ژوبرت

نویسنده‌ی فرانسوی سال ۱۳۴۰ خورشیدی در پاریس متولد شد. مادرش پزشک بود و پدرش نقاش و کنده‌کار. دوران کودکی خود را در پاریس گذراند. در سن ۱۹ سالگی به دین اسلام گروید و مسلمان شد. از سال ۱۳۶۲ با همسرش که ایرانی است ساکن ایران شد. او از کودکی به کتاب‌خواندن و نقاشی کردن علاقه داشت. به گفته‌ی خودش به داستان‌های کوتاه و رمان علاقه دارد.



علاقه به ادبیات کودک

خانم ژوبرت از زمانی که مادر شد و می‌خواست کودکانش را به کتاب علاقه‌مند کند، به نوشتن ادبیات کودک علاقه‌ی زیادی پیدا کرد. او می‌گوید: «دیگر بچه‌ها وقت و بی‌وقت از من قصه می‌خواستند و خیلی پیش می‌آمد که مجبور می‌شدم خودم قصه بسازم. این شد که کم‌کم شروع به نوشتن کردم».

پسر بچهای

که دانشمند شد

نویسنده و تصویرگر کتاب «پسر مرتضی کو؟» خانم کلر ژوبرت است که در کشور فرانسه متولد شده است. او پس از مسلمان شدن و ازدواج به کشور ما آمد و ساکن ایران شد. الان حدود ۲۵ سال است که برای کودکان داستان می‌نویسد و تصویرگری می‌کند. ژوبرت در این باره می‌گوید:



خاطرات یک معلم

اصل این داستان و ادامه‌اش واقعی بود. اما برای تعریف کردن آن، من چند شخصیت تخیلی هم به وجود آوردم که داستان جذاب‌تر شود: یک مورچه و یک سنجاقک و یک گنجشک و یک جغد کوچولو که سعی می‌کنند مرتضی که گم شده را پیدا کنند...

این داستان را از روی خاطرات کودکی شهید مرتضی مطهری نوشته‌ام؛ همان پسر بچهای که وقتی بزرگ شد، دانشمند خیلی مهمی شد و یک عالمه کتاب هم نوشت. شهید مطهری تلاش زیادی کرد تا دین اسلام را بیشتر و بهتر معرفی کند و نشان بدهد که این دین چقدر می‌تواند به ما کمک کند تا زندگی بهتری داشته باشیم، برای همین دشمنان زیادی هم داشت. کمی بعد از انقلاب، یکی از این دشمنان، او را شهید کرد. روز شهادتش «روز معلم» نامگذاری شده است. امیدوارم همه‌ی کودکان ایران و جهان بتوانند در آینده انسان‌های مفیدی بشوند، در هر زمینه‌ای که دوست دارند و توانایی بیشتری دارند و به بهتر شدن دنیا کمک کنند. کاش شما بچه‌ها، دفترچه‌ی خاطرات داشته باشید و اتفاقات جالب زندگی‌تان را یادداشت کنید، تا بعد که بزرگ شدید، بشود از روی این خاطرات داستان‌های قشنگی نوشت.

از سال‌ها

پیش که این کار را شروع کردم تا به امروز، کتاب‌های مختلفی را نوشتم و تصویرگری کردم که شاید بعضی از شما بچه‌ها، آنها را خوانده باشید، مثل «کلوچه‌های خدا»، «خداحافظ راکون پیر» یا «داستان‌های موموشی». یکی از جدیدترین کتاب‌هایم همین کتاب پسر مرتضی کو؟ است.

وقتی

بچه بودم، مثل پسر کوچولوی داستان پسر مرتضی کو؟، مدرسه را خیلی دوست داشتم و بیشتر از مدرسه هم، کتاب خواندن را. برای همین نویسنده شدم و برای بچه‌ها داستان می‌نویسم.

داستان پسر مرتضی کو؟ داستان واقعی یک پسر بچه است که مدرسه را خیلی دوست داشت، چون آنجا بیشتر از هر جای دیگری می‌توانست چیزهای جدید یاد بگیرد. آن زمان، یعنی حدود صد سال پیش، مثل الان نبود که بشود از کتاب‌های مناسب کودکان یا فضای مجازی چیزی یاد گرفت.

